

بررسی حقوق اجتماعی افراد تراجنسیتی، از نگاه اسناد بین‌المللی، نظام حقوقی کامن‌لا و حقوق داخلی ایران

محسن صفری^{۱*}، سید مهرداد امیرشاه‌کرمی^۲

چکیده

افراد تراجنسیتی، به سبب هویت جنسیتی نادر خود، در معرض نابرابری‌های اجتماعی و حقوقی‌اند؛ از مهم‌ترین حقوق بشری که این افراد در دسترسی بدان در مضیقه‌اند، منع تبعیض، حفظ حریم خصوصی و دسترسی به بالاترین سطح سلامت است. حقوق مذکور، در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی کشورهای متمدن، مورد توجه واقع شده است. اسناد بین‌المللی در این زمینه، هویت جنسیتی را، مبنایی مستقل برای حمایت در مقابل تبعیض می‌داند و از حق بر حریم خصوصی و دسترسی به سلامت، به صراحت حمایت می‌کند. در بریتانیا و آمریکا، با تصویب قوانین متعدد در این زمینه، از حقوق این افراد حمایت شده است، ولی در حقوق ایران، هیچ قانونی به صراحت از حقوق این افراد حمایت نمی‌کند. خلأ قانون حمایتی در حقوق ایران، موجب شده است که این قشر از جامعه طرد شوند و نیاز توجه قانونگذار به این افراد، کاملاً احساس شود. راه‌حل ابتدایی در حمایت از این افراد، تفسیر اصول قانون اساسی در حمایت از حقوق مسلمة افراد است؛ ولی نیاز به تصویب قانون خاص و بیان ابعاد مختلف حقوق این افراد، کاملاً احساس می‌شود.

واژگان کلیدی

تراجنسیتی، حریم خصوصی، حق سلامتی، حق بیمه، سند اصول جاکارتا، قانون بازشناسی جنسیت، منع تبعیض.

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).
Email: safarimohsen@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۰۶

مقدمه

در سرتاسر تاریخ و در نظام‌های مختلف حقوقی، هدف قانون و قانونگذار، حمایت از حقوق افراد و سعی در ایجاد برابری میان آنها بوده است. قانونگذار در مواردی و به مناسبت وضعیت خاص افراد، حمایت‌های ویژه‌ای از آنان به عمل آورده است. افراد تراجنسیتی، افرادی هستند که از ساخت آناتومیک بدن خود ناراضی‌اند. این افراد، هویت جنسیتی خود را با جنسیت فیزیکی و ظاهری خویش، هماهنگ و یکسان نمی‌بینند و خود را متعلق به جنس مخالف می‌دانند. این افراد را می‌توان در دسته افرادی قرار داد که دسترسی‌شان به حقوق مساوی، با دیگر آحاد جامعه در بخش‌های مختلف اجتماعی، نیازمند یاری از سوی قانونگذار است؛ هویت جنسی خاص این افراد و اقلیت آنان در جامعه موجب شده است که در جامعه با این افراد، همانند دیگر افراد برخورد نشود و آنها در دسترسی به حقوق افراد جامعه، با مشکل مواجه شوند. تبعیض در برخورداری از حقوقی همچون ورود به مدرسه، ورود به مکان‌های عمومی، اشتغال در شغل‌های عمومی یا خصوصی، شکستن حریم خصوصی این افراد، به بهانه‌های مختلف پزشکی یا روان‌شناسی و عدم حمایت از سوی دولت در برطرف کردن مشکل خود از طریق عمل جراحی و ...، نمونه‌های کوچکی از مشکلات بی‌شمار این افراد در دسترسی به حقوق تعریف‌شده برای انسان، در جوامع متمدن است. به تدریج و با افزایش تعداد تراجنسیتی‌ها و قبول تدریجی این افراد در جوامع، قانونگذاران، سعی کردند با تصویب قوانین مختلف، از حقوق این افراد حمایت بیشتری به عمل آورند؛ البته پایه‌گذار این قوانین، در قوانین داخلی کشورها، اسناد بین‌المللی بودند که در حمایت از این افراد تصویب شدند. در ادامه به سه جنبه از مهم‌ترین حقوق این افراد از نگاه بین‌المللی و حقوق داخلی کشورهای نظام کامن‌لا و حقوق ایران، خواهیم پرداخت.

حق حمایت از افراد تراجنسیتی در مقابل تبعیض

۱. قلمرو حق حمایت از افراد تراجنسیتی در مقابل تبعیض

اصل منع تبعیض و تساوی در برابر قانون، از اصول بدیهی در اصول و قوانین بین‌المللی و داخلی در مورد حمایت از حقوق بدیهی انسان است. در مورد چگونگی حمایت از این افراد در مقابل تبعیض، نظرها و رویکردهای مختلفی ارائه شده است؛ اولین رویکرد بر این عقیده بود که تبعیض بر افراد تراجنسیتی، نوعی تبعیض بر مبنای جنس محسوب شود؛ دیوان دادگستری جامع اروپایی مستقر در لوکزامبورگ^۱، در سال ۱۹۹۶ این رویکرد را در تفسیر قانون تبعیض جنسیتی جامعه اروپایی در قضیه پی.وی.اس و شورای کورن وال کانتی در پیش گرفت. در آن

1. E.C.J

قضیه دادگاه عنوان کرد که از دست دادن شغل به سبب اینکه خواهان اعلام کرده است که قصد انجام جراحی تغییر جنسیت را دارد، شکلی از تبعیض بر مبنای جنس محسوب می‌شود (P.V.S And Corn Wall County Council case, 1994, para16-24). این رویکرد، افراد تراجنسیتی را در مقابل تبعیض، ایمن نکرد؛ زیرا ممکن است فرد تراجنسیتی خواهان عمل تغییر جنسیت نباشد یا قادر به انجام آن نباشد. در این موارد او نمی‌تواند ادعای تبعیض بر مبنای جنس کند، زیرا هر گونه تبعیضی، در حدود جنسیت بیولوژیکی آنها، تفسیر می‌شود. در اکتبر ۱۹۹۸، کمیته حقوق اقتصادی و اجتماعی نیز رویکرد دیگری را اتخاذ کرد؛ این کمیته در نظریه تفسیری شماره بیست خود، مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو باید تضمین کنند که هویت جنسی یک فرد، مانعی برای شناسایی حقوق میثاقین برای افراد نیست. علاوه بر آن، هویت جنسیتی، یکی از مبانی ممنوعه تبعیض شناخته می‌شود» (Tbinternet.Ohchr.org, visited At:04/06/2015). در این رویکرد، هویت جنسیتی مبنایی مستقل برای تبعیض به شمار می‌رود (Whittle,2002: 241).

ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، فهرست تمثیلی از مبانی و موارد تبعیض را بیان داشته، ولی هویت جنسیتی در موارد مصرحه ذکر نشده است. برخی حقوقدانان معتقدند که باید هویت جنسیتی به این موارد اضافه شود و در مقابل، مخالفان معتقدند که این امر موجب تغییر پی‌درپی مواد این کنوانسیون خواهد شد. به هر حال، در زمان تصویب این کنوانسیون، وضعیت افراد تراجنسیتی، با مقتضیات حاکم بر آن زمان، پیش‌بینی‌شده نبود؛ در حالی که لازم است این کنوانسیون با تغییرات اجتماعی همسو باشد (Whittle,2002: 246). بدین منظور، در سال ۲۰۱۰ کمیته وزرای شورای اروپا، از کشورهای عضو خواست تا اصل منع تبعیض را، در قانونگذاری‌ها و سیاست و رویه داخلی خود، در مورد افراد تراجنسیتی و سایر اقلیت‌های جنسی به کار گیرند (Recommendation 1915 of the Parliamentary,2010, Section3).

۲. حمایت از افراد تراجنسیتی در برابر تبعیض در اسناد بین‌المللی

در مورد حمایت از حقوق این افراد، در سطح بین‌المللی، می‌توان به سند اصول جاکارتا مصوب ۲۰۰۷ اشاره کرد. این سند شامل ۲۹ اصل است که هر اصل، بیان‌کننده یکی از حقوق بشری و نحوه اعمال آنها در خصوص افراد، با هر گونه هویت جنسیتی است (Oflaherty& Fisher, 2008, vol 2:232). براساس اصل ۲ این سند: «هر کسی حق دارد که از تمام حقوق بشر بدون تبعیض، بر مبنای هویت جنسیتی، بهره ببرد...قانون باید هر گونه تبعیض بر مبنای هویت جنسیتی را منع کند و حمایت برابر در مقابل هر گونه تبعیضی را، برای این افراد تضمین کند...» (Contextualizing Yogyakarta Principles, 2007: Principle2).

همچنین، گزارش کمیساریای عالی حقوق بشر در بخش اول، افراد تراجنسی را برخوردار از حقوق برابر، با دیگر هویت‌های جنسیتی می‌داند و معتقد است که هویت جنسیتی باید به‌طور مستقل در مبانی تبعیض در میثاقین، نام برده شود (Visited At:14/09/2015، www.ochr.org).

همان‌گونه که مشخص است، براساس اسناد مذکور، هویت جنسیتی، باید عنصری مستقل در مبانی منع تبعیض باشد و در تلاش‌اند کشورهای عضو را به تبعیت از این نظریه، موظف کنند.

۳. حمایت از افراد تراجنسی در برابر تبعیض در نظام کامن‌لا

در انگلستان، قوانین متعددی در مورد منع تبعیض به تصویب رسیده است؛ قانون برابری مصوب ۲۰۱۰، جدیدترین قانون در این زمینه است. این قانون که تمامی حوزه‌های اشتغال و دسترسی به خدمات و کالاها را شامل می‌شود، تغییر جنسیت را به‌عنوان مبنای رفتار برابر، برای اولین بار در این کشور شناخته است (aguis & others, 2011:36). براساس این قانون، اصل منع تبعیض در حوزه‌های مختلف آموزش، اشتغال افراد و... شامل افراد تراجنسی نیز می‌شود.

در سال ۲۰۱۰ دولت انگلستان به‌منظور ارتقای اجرای اصل برابری و منع تبعیض در مورد افراد تراجنسی، طرحی را در این زمینه تهیه کرد که بیانگر تعهدات و سیاست‌های دولت در ارتقای برابری برای افراد تراجنسی در تمام حوزه‌های زندگیشان است (Advancing transgender equality, 2011).

در ایالات متحده آمریکا، مصوبات و قوانین متعددی در حمایت از افراد تراجنسی در مقابل منع تبعیض در زمینه‌های مختلف به تصویب رسیده است؛ برای مثال، قانون فدرالی وجود دارد که برای مقابله با تبعیض جنسیتی و هویت جنسی در مدارس تصویب شده است (the Education Amendments of 1972, Article 4). همچنین قوانینی در حمایت از این افراد در استخدام در مشاغل وجود دارد؛ قانون حقوق شهروندی مصوب ۱۹۶۴م، تبعیض بر مبنای هویت جنسی در استخدام را ممنوع کرده است (Civil Right Act And Equal Employment, 1964).

به‌منظور حمایت از حق داشتن مسکن برای عموم مردم در ایالت متحده آمریکا، قانونی تصویب شد که تبعیض و عدم انجام معامله با افراد بر مبنای رنگ پوست، نژاد، مذهب و هویت جنسیتی ممنوع شد. در واقع در این زمینه، معامله نکردن با یک تراجنسی براساس این قانون ممنوع شده است (The Fair Housing Act, 1968).

۴. حمایت از افراد تراجنسیتی در برابر تبعیض در نظام حقوقی ایران

به‌طور کلی در قانون اساسی ایران، در موارد متعددی به منع تبعیض و حمایت برابر همه افراد در برابر قانون اشاره شده است. به‌طور خاص بند ۸ اصل ۳ قانون اساسی، دولت را برای نیل به اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران، به استفاده از همه امکانات خود برای رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه، برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی موظف کرده است و بند ۱۴ همین اصل، به تساوی عموم در برابر قانون، اشاره کرده است.

علاوه بر این اصول کلی، قانون اساسی در اصول ۲۹ و ۳۰، به‌طور خاص، حق برخورداری از تأمین اجتماعی و خدمات بهداشتی و درمانی و بیمه همگانی و آموزش رایگان را برای همه افراد ملت به رسمیت شناخته است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، افراد مشمول این اصول، تمامی آحاد جمهوری اسلامی، صرف‌نظر از نژاد و قوم، جنس و... هستند و این دیدگاه، نشأت گرفته از این نظریه است که کرامت انسانی، مستلزم تساوی آنان در حقوق و آزادی‌های اساسی و رفع تبعیض بر اساس نفی هر گونه تعلقات عارضی به‌غیر از آنچه مربوط به صلاحیت و توانایی‌های اشخاص است، می‌داند (حبیب‌زاده و رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۶۰).

براساس این تفسیر، افراد تراجنسیتی، همانند سایر افراد ملت، از حمایت قانون برخوردارند و حق برخورداری کامل از حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را خواهند داشت. البته در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، قانون روشن و مشخصی در حمایت از این افراد در برابر تبعیض وجود ندارد و این خلأ، در عمل، مشکلاتی را برای این افراد در برخورداری از حقوق اجتماعی و دیگر حقوق، به‌وجود آورده است. نگاه منفی جامعه به آنها، موجب خانه‌نشینی و افسردگی این افراد می‌شود. درحالی‌که امام خمینی (ره)، در استفتایی، وضعیت و هویت جنسیتی این افراد را از همجنس‌بازان متفاوت دانسته و با بینشی عمیق، وضعیت و مشکل ایشان را درک کرده‌اند (www.imam-khomeini.ir). همچنین، قانون اساسی زمینه قانونگذاری در این زمینه را فراهم آورده است، اما همچنان حقوقدانان، بدین مسئله نپرداخته و افراد تراجنسیتی، در انزوای اجتماعی باقی مانده‌اند.

حق بر حریم خصوصی در مورد افراد تراجنسیتی

۱. قلمرو حق بر حریم خصوصی

حریم خصوصی از اساسی‌ترین حقوق بشر است که با شخصیت انسان، رابطه تنگاتنگی دارد؛ حق انسان به تنها بودن، مورد احترام دیگران واقع شدن و به دور از چشم و نگاه کنترل‌کننده و رها از تجسس دیگران زیستن، حقی است که لازمه یک شخصیت مستقل به‌شمار می‌آید

(رحمدل، ۱۳۸۴: ۱۲۰). به همین دلیل، در نظام بین‌المللی حقوق بشر، بدان توجه ویژه‌ای شده است؛ چنانکه مواد ۱۲ و ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بدین مفهوم اختصاص یافته است. در مورد قلمرو حریم خصوصی، تفاسیر متعددی شده است؛ دادگاه اروپایی حقوق بشر در اظهار نظری عنوان کرد: "چنانچه مفهوم حریم خصوصی را، مقید به یک حوزه داخلی کنیم که تنها، شامل زندگی شخصی فرد، آن‌گونه که خود انتخاب می‌کند، باشد و دنیای بیرون را از آن مستثنا سازیم، محدودکننده خواهد بود" (Niemitz. Vs. Germany, 1992: para29). همچنین اشاره می‌دارد که حق حریم خصوصی شامل جنبه‌هایی از هویت فردی و اجتماعی فرد می‌شود؛ بر این اساس شناسایی جنسیت، نام و هویت جنسی در حوزه فردی که ماده ۸ کنوانسیون از آن حمایت می‌کند، قرار می‌گیرد (Pretty. Vs. UK, 2002: para61).

۲. حق بر حریم خصوصی افراد تراجنسی

جنسیت فرد، از خصوصی‌ترین حوزه‌های زندگی او تلقی می‌شود. حق بر حریم خصوصی، ایجاب می‌کند که هر کس از جمله افراد تراجنسیتی در قالب جنسیتی که خود انتخاب می‌کنند، زندگی کنند؛ و این انتخاب، مورد تفتیش از سوی دولت قرار نگیرد. براساس این حق، فرد تراجنسی علاوه بر آنکه می‌تواند مختارانه جنسیت خود را تغییر دهد، حق دارد که این جنسیت جدید، توسط دولت و قانون به رسمیت شناخته شود و از تعرض، مصون بماند.

به‌منظور اینکه حریم خصوصی افراد تراجنسیتی در مورد انتخاب جنسیت دلخواهشان، دور از هر گونه تعرضی باشد، این حق باید توسط قانون، شناسایی شود. بدین سبب، باید اسناد هویتی آنان، مطابق با جنسیت جدیدشان صادر شود و محرومیت آنان از داشتن سند هویتی، مطابق با جنسیت جدیدشان، آنان را با مشکلات عملی مانند استفاده از بیمارستان، سرویس بهداشتی و... مواجه می‌کند (Hammarbeg, 2001: 84).

البته گاهی، برخی دولت‌ها، برای تعویض سند هویت جنسیتی، تحقیقاتی را لازم می‌دانند که خود به حریم خصوصی افراد تراجنسیتی تجاوز می‌کند. پرسش از تجربه زندگی فرد در قالب نقش جنسیتی جدید در دوره زمانی معین (Gender Recognition Act, 2004: Article 2) و شرط مجرد بودن فرد هنگام دریافت سند تأیید هویت جنسی جدید (Gender Recognition Act, 2004: Article 4)، از این دست اقدام‌هاست.

از اولین دعاوی در این زمینه، قضیه رس علیه انگلستان بود. در این قضیه، خواهان مدعی بود که عدم تعویض شناسنامه از سوی دولت انگلستان، موجب نقض حریم خصوصی او شده است و براساس ماده ۸ قانون حقوق بشر، مصوب ۱۹۹۸م که احترام به حریم خصوصی و خانوادگی را ملزم دانسته است، خواهان تعویض سند هویتی خود بود. در این قضیه، دادگاه با توجه به حفظ تعادل میان منافع شخصی و منافع عمومی، با این استدلال که تعویض

شناسنامه‌ها به اصلاح ثبت سیستم انگلستان نیاز دارد و پیچیده بودن این سیستم، موجب به خطر افتادن منافع عمومی می‌شود و این افراد می‌توانند در سایر اسناد هویتی، به‌جز شناسنامه، نام جدید برگزینند، دعوای خواهان را رد کرد (Ress.Vs.UK,1986:para77).

البته در ادامه و در قضیه‌های بعدی چون قضیه گودوین علیه انگلستان، پیشرفت‌های مهمی در حق حریم خصوصی تراجنسیتی‌ها به‌وجود آمد. در این قضیه، دادگاه با این استدلال که نقض حقوق بشر در چارچوب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، هنگامی که قانون داخلی یک دولت جنبه‌های مهمی از هویت شخصی فرد را نقض می‌کند نیز تحقق می‌یابد؛ تعارض بین واقعیت اجتماعی و وضعیت حقوقی شخصی، فرد تراجنسیتی را در موقعیت غیرعادی قرار می‌دهد و موجب می‌شود که او تحقیر شود و استرس و آسیب‌پذیری را تجربه کند. این دادگاه، صرف پیچیده بودن نظام اداری انگلستان را، برای نقض حریم خصوصی فرد تراجنسیتی از طریق منع تعویض اسناد هویتی بر مبنای جنسیت جدید توجیه‌پذیر ندانست (Goodwin.Vs.Uk,2002:para77).

در قضیه ونکوک علیه آلمان، خواهان زن تراجنسیتی بود و به‌علت اینکه دادگاه‌های آلمان، تقاضای وی، مبنی بر دریافت هزینه‌های درمان مرتبط با عمل جراحی تغییر جنسیت از شرکت بیمه، به استناد اینکه عمل جراحی تغییر جنسیت برای او تنها راه درمان ضروری نبوده رد کرده بودند، به دادگاه اروپایی حقوق بشر شکایت کرد. دادگاه تعیین جنسیت توسط خود فرد را صریحاً جنبه‌ای از حق حریم خصوصی دانست و فرد را محق بر بیمه دانست (Vankuck.Vs. Germany,2003,para69). با وجود این پرونده‌ها، دادگاه حقوق بشر، تنها حق بر حریم خصوصی و شناسایی جنسیت جدید برای فرد را، بعد از اقدام به عمل جراحی به رسمیت شناخته و در مورد حق شناسایی قانونی جنسیت این افراد، قبل از اقدام به عمل جراحی صحبت نکرده است. به‌نظر می‌رسد توجیه اصلی این رفتار، رعایت نظم عمومی و در واقع عدم شناسایی این حق برای تراجنسیتی‌ها باشد.

حق بر حریم خصوصی، برای افراد تراجنسیتی در سند اصول جاکارتا نیز مورد بحث واقع شده است. اصل ۳ این سند مقرر می‌دارد: "هر کس صرف‌نظر از هر هویت جنسیتی، حق دارد که از حریم خصوصی بهره‌مند باشد، بدون مداخله خودسرانه و غیرقانونی.... حریم خصوصی، شامل حق هر فرد جهت تصمیم‌گیری در مورد دادن یا ندادن اطلاعات مربوط به هویت جنسیتی و اطلاعات مربوط به بدن نیز می‌شود. دولت‌ها موظف‌اند در قوانینی که بیان هویت جنسیتی را، جرم‌انگاری کرده‌اند و همچنین در قوانینی که فرصت تغییر بدن افراد را، جهت بیان هویت جنسیتی نمی‌دهند، بازبینی کنند. همچنین دولت‌ها موظف شده‌اند که حق هر فرد را برای انتخاب اینکه چه کسی و به چه نحوی اطلاعات مربوط به هویت جنسیتی خود را افشا کند، تضمین کنند و از افراد در برابر افشای خودسرانه و ناخواسته

یا تهدید به افشای چنین اطلاعاتی، حمایت کنند" (Contextualizing Yogyakarta Principles, 2007: Principle 3).

این اصل مقرر می‌دارد: افراد تراجنسیتی، باید توسط قانون شناسایی شوند و این حق را مربوط به حریم خصوصی این افراد دانسته است. براساس این اصل: "هر کسی در هر کجا حق دارد که در برابر قانون شناخته شود. افراد دارای هویت‌های جنسیتی مختلف، باید از اهلیت قانونی در تمامی جنبه‌های زندگی برخوردار شوند. تعریف هر فرد از هویت جنسیتی‌اش بخش جدایی‌ناپذیری از شخصیت او محسوب می‌شود و یکی از اساسی‌ترین جنبه‌های تعیین سرنوشت فردی، کرامت و آزادی او به‌شمار می‌رود."

در این زمینه، دولت‌ها موظف شده‌اند که تمام اقدامات قانونی و اداری و سایر اقدامات لازم برای شناسایی قانونی و احترام کامل تعریف فرد از هویت جنسیتی خود اتخاذ کنند؛ همچنین دولت‌ها براساس این سند موظف شده‌اند تا تمام اقدامات قانونی و اداری و سایر اقدامات ضروری را به‌کار گیرند تا تضمین کنند که سازوکار موجود برای صدور اسناد هویتی که بر جنسیت افراد دلالت می‌کند و شامل شناسنامه، گذرنامه و سایر اسناد می‌شود، منعکس‌کننده تعریف هر فرد از هویت جنسیتی خودش باشد و تضمین کنند که تغییر در اسناد هویتی در تمام زمینه‌ها و شرایطی که احراز هویت و جداسازی جنسیتی لازم است به‌صورت قانونی شناخته شود (Contextualizing Yogyakarta Principles, 2007: Principle 3).

در واقع اصل ۳، بر این مورد تأکید دارد که اسناد هویتی باید منعکس‌کننده تعریف هر فرد از هویت جنسیتی خود و جنسیت مورد ترجیح خود باشد، بدون نیاز به هیچ پیش‌شرطی.

۳. حمایت از حق بر حریم خصوصی افراد تراجنسی در نظام حقوقی کامن‌لا

در بریتانیا و قبل از تصویب قانون بازشناسی جنسیت در سال ۲۰۰۴م، شناسنامه افراد تراجنسیتی به هیچ‌عنوان تغییر نمی‌کرد، اگرچه برخی از اسناد هویتی آنان دستخوش تغییراتی می‌شد؛ ولی پس از دعاوی متعدد در این زمینه و تصویب قانون مذکور، حریم خصوصی این افراد، مورد توجه واقع شد (Davies, 2005: 3).

در این قانون، احترام به حریم خصوصی افراد از دو نظر مورد بحث واقع شده است: ابتدا، در این قانون، امکان شناسایی جنسیت این افراد در شرایطی پذیرفته شده است. براساس این قانون، برای اینکه شخصی بتواند درخواست^۱ صدور "سند بازشناسی جنسیت"^۲ خود را بدهد، باید حداقل هجده سال داشته باشد؛ این درخواست، توسط کسی داده می‌شود که

1. Application
2. Gender Recognition Act

تغییر جنسیت داده باشد؛ همچنین اگر شخصی، تحت قانون کشوری، خارج از محدودهٔ بریتانیای کبیر دست به تغییر جنسیت زده باشد، می‌تواند درخواست صدور سند بازشناسی جنسیت خود را بدهد. این درخواست، باید توسط هیأت بازشناسی جنسیت، بررسی و تأیید شود (Gender Recognition Act, 2004: Article 1).

برای اینکه این هیأت، با درخواست طرف موافقت کند، درخواست‌دهنده، باید دارای ویژگی‌های زیر باشد: رنج بردن از بیماری و ملامت جنسی، زندگی کردن در قالب جنسیت جدید، حداقل به مدت دو سال قبل از این درخواست، قصد ادامهٔ حیات در قالب جنسیت مکتسبه تا پایان زندگی و همچنین وجود و مطابقت برخی از اسناد و مدارک مورد نیاز که در همین قانون پیش‌بینی شده است؛ در صورتی که این شروط، در فرد متقاضی موجود باشد، هیأت مذکور موظف است سند درخواستی را صادر کند (Gender Recognition Act, 2004: Article 1).

در بریتانیای کبیر، به افراد تراجنسیتی حق داده شده است که اسناد هویتی خود را براساس جنسیت جدیدشان تغییر دهند؛ در ابتدا، زمانی که شخص تغییر جنسیت می‌دهد، قادر است نام خود را، در تمامی اسناد خصوصی یا دولتی - گواهی‌نامه، گذرنامه، اسناد پزشکی و ... تغییر دهد. تنها استثنای این امر، تغییر نام وی در مدارک و سوابق جزایی و مالیاتی اوست (Whittle, 2011: 4). برای این منظور، او ابتدا باید مسئولان ثبت احوال را از تغییر جنسیت خود آگاه کند و سپس اظهارنامهٔ قانونی، مبنی بر تغییر نام خود پر کند. پس از انتشار این اظهارنامه، کارمند ثبت احوال، موظف است نام او را تغییر دهد. شخص متقاضی، باید بالای ۱۶ سال داشته باشد؛ درخواست تغییر نام افراد زیر ۱۶ سال، باید توسط والدین او، صادر شود (Whittle, 2011: 4). از طرف دیگر در این قانون، اطلاعات مربوط به هویت جنسیتی افراد تراجنسیتی، در دستهٔ "اطلاعات حمایت‌شده" قرار گرفته است که افشای آن‌ها جرم محسوب می‌شود (Gender Recognition Act, 2004: Article 22).

بنابراین در بریتانیا، با فراهم آوردن امکان شناسایی جدید و سعی در حفظ این اطلاعات و جلوگیری در افشای آن، سعی در احترام به حریم خصوصی این افراد شده است.

در ایالات متحدهٔ آمریکا و در بیشتر ایالات آن، تغییر در اسناد هویتی برای افراد تراجنسیتی امری کاملاً پذیرفته‌شده است؛ البته با اینکه در آمریکا، در برخورد با تراجنسیتی‌های کم‌سن‌وسال که هنوز به سن قانونی ۱۸ سال نرسیده‌اند، قانون رفتار مثبتی از خود بروز داده است، هنوز در برخی از ایالت‌های آن همچون کالیفرنیا، یک فرد تراجنسیتی زیر ۱۸ سال، نمی‌تواند به‌طور مستقل و بدون تأیید والدین یا قیم^۱ خود، پس از تغییر جنسیت، نام خود را تغییر دهد. بدین منظور، افراد تراجنسیتی زیر ۱۸ سال در آمریکا، برای تغییر نام خود، به تأیید نظر افراد نامبرده نیاز دارند، مگر اینکه صغیر مستقلی باشند. «استقلال یک صغیر، پس

از احراز آن در دادگاه و اعطای آن در دادگاه محقق می‌شود» (California Transgender Family Law, 2013: Article 3).

بیشتر ایالات آمریکا، اجازه تغییر نام را به فرد تغییر جنسیت داده و می‌دهند و سند سجلی وی را اصلاح می‌کنند؛ تنها ایالات آیداهو، کانزاس، اوهایو و تنسی، از تغییر مشخصات شخص که در شناسنامه او ثبت شده است، خودداری می‌کنند (www.lambdalegal.org, Visited At: 14/04/2015).

۴. حمایت از حق بر حریم خصوصی افراد تراجنسی در ایران

در قانون ایران به‌نوعی مواردی از حریم اطلاعاتی و جسمانی افراد مورد توجه قرار گرفته است؛ برای مثال، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴، در ماده پنج خود، تعرض به حریم خصوصی افراد به بهانه اجرای امر به معروف یا نهی از منکر را، به‌صراحت ممنوع کرده است. همچنین اصل ۲۲ ق.ا.مقرر می‌دارد: حیثیت و جان اشخاص از تعرض مصون است. هرچند به‌صورت صریح در قانون اساسی به حریم خصوصی جسمانی، اشاره‌ای نشده است (انصاری، ۱۳۸۳: ۳۸). شاید بتوان با تفسیر کلمه حیثیت و جان، حریم خصوصی جسمانی را مشمول حمایت‌های قانون اساسی دانست (واعظی و علیپور، ۱۳۹۱: ۱۳۷).

اگرچه، قانون مدونی که به‌صراحت در مورد تمامیت جسمانی و رعایت حریم خصوصی افراد تراجنسیتی پردازد در حقوق موضوعه ایران وجود ندارد، در عمل مشاهده می‌شود که این حریم در کشورمان مورد احترام واقع شده است. پس از مشروع خواندن عمل تغییر جنسیت از سوی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۶ (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶: ۲۳)، افراد تراجنسیتی می‌توانند پس از گذراندن مراحل پزشکی، جنسیت خود را تغییر دهند. این افراد پس از گذراندن چند آزمون و نظر مثبت کمیسیونی در مورد تراجنسی بودن خود، براساس بند ۱۸ ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، درخواست تغییر جنسیت را در قالب یک دادخواست به دادگاه خانواده تقدیم دارند.

هم‌اکنون و در کشور خودمان، به پیروی از شناسایی حق تغییر جنسیت برای افراد، تغییر مشخصات شناسنامه آنان نیز به رسمیت شناخته شده است. همان‌گونه که مدیرکل ثبت احوال استان تهران اعلام کرد: در شناسنامه جدید دوجنسی‌ها، تغییر جنسیت آنان ثبت نمی‌شود. ایشان در این زمینه گفته‌اند: در صفحه توضیحات شناسنامه این‌گونه افراد، فقط تغییر نام ثبت می‌شود. حتی جزییات تغییر نام که از چه نامی به چه نامی تغییر کرده است، در شناسنامه جدید آورده نمی‌شود؛ و در صورت حکم دادگاه، ثبت احوال هیچ مشکلی در خصوص صدور مجدد شناسنامه برای دوجنسی‌ها ندارد (www.aftabair.com, Visited At: 14/04/2015).

از این منظر که حریم خصوصی این افراد در ایران، به‌خوبی مورد احترام واقع می‌شود و

جنسیت جدید آنها از نظر قانونی مورد پذیرش قرار می‌گیرد و آثار خود را به‌جای می‌گذارد، هر چند این حق به‌طور خاص مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است.

حق دسترسی به بالاترین سطح سلامت

۱. بررسی حق افراد تراجنسیتی بر دسترسی به بالاترین سطح سلامت در سطح

بین‌المللی

پس از اینکه تراجنسیتی بودن از فهرست اختلال‌های روانی خارج شد (2009:45) Fisher&Oflaherty)، این ابهام به‌وجود آمد که این افراد نمی‌توانند به خدمات مربوط به سلامتی، دسترسی داشته باشند، چون دیگر این افراد در دسته افراد بیمار قرار نمی‌گیرند و درمان آنها دیگر توجیه‌پذیر نیست؛ این تفسیر و توجیه، سد بزرگی برای عمل تغییر جنسیت، در مقابل افراد تراجنسیتی به‌وجود می‌آورد؛ به همین دلیل تشخیص بیمار دانستن افراد تراجنسیتی برای اینکه بتوانند به خدمات مربوط به سلامت دسترسی داشته باشند، لازم نیست (Castagnoli, 2010:10).

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۱ در نظریه‌ای اعلام داشت: هر گونه تبعیض در دسترسی به خدمات مربوط به سلامتی بر مبنای هویت جنسیتی، ممنوع است (General Comment, No14:para18). حق افراد تراجنسیتی بر حریم خصوصی، ایجاب می‌کند مانعی در تغییر جنسیتشان وجود نداشته باشد.

در سال ۲۰۰۸م و در قضیه‌ای، خواهان، علیه دولت لیتوانی به‌علت عدم تصویب قانونی که به افراد تراجنسیتی، اجازه تغییر جنسیت دهد و آنان را حمایت کند، شکایت کرد. دادگاه پس از بررسی قضیه، این‌گونه رأی داد که در قانون کشور لیتوانی، حمایت از افراد تراجنسیتی و دادن جواز تغییر جنسیت به آنها، دارای خلأ است (L.Vs. LITHUANIA, 2008:para59). دادگاه در این حکم بیان داشت که دولت لیتوانی موظف است در بودجه مربوط به سلامت و بهداشت، بخشی را به فراهم کردن امکانات مربوط به تغییر جنسیت افراد تراجنسیتی اختصاص دهد (L.Vs. LITHUANIA, 2008:para74).

افراد تراجنسیتی حق دارند که به تمامی اقدامات مربوط به تغییر جنسیت همچون هورمون‌درمانی و صدادرمانی و ... دسترسی داشته باشند و مراکز درمانی مجهز برای درمان آنان، در دسترس باشد.

بحث دیگر در مورد تحت پوشش بیمه بودن این اقدامات است؛ با توجه به هزینه بسیار

1. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

سنگین اقدامات مربوط به تغییر کامل جنسیت، حق دسترسی به سلامت ایجاب می‌کند که هزینه‌های درمان و انجام تغییر جنسیت، تحت پوشش بیمه ملی قرار گیرد (Miller & Vance, 2010:14). در پرونده ال، علیه لیتوانی، دادگاه به‌صراحت تحمیل بار مالی نامناسب بر فرد تراجنسیتی را توجیه‌ناپذیر دانست. این مسئله در پرونده ونکوک علیه دولت آلمان نیز مطرح شد. در این پرونده خواهان، علیه دولت آلمان مبنی بر عدم قبول هزینه‌های مربوط به عمل تغییر جنسیت او با این استدلال که عمل جراحی او ضروری نبوده، شکایت کرد. دادگاه اروپایی حقوق بشر در این پرونده بیان داشت که نباید فرد تراجنسیتی را مجبور کنیم که ضرورت تغییر جنسیت خود را اثبات کند، چون این امر بر خلاف حریم خصوصی اوست و از این رهگذر، دولت آلمان را موظف کرد که حق بیمه او را بپردازد (Vankuck. Vs. Germany, 2003: para55).

سند اصول جاکارتا هم در اصول ۱۷ و ۱۸ خود، به این موضوع پرداخته است؛ اصل ۱۷ مقرر می‌دارد: «هر شخصی این حق را دارد که بدون در نظر گرفتن هویت جنسیتی خود، به بالاترین سطح سلامت فیزیکی و روانی دسترسی داشته باشد...».

این اصل، دولت‌ها را موظف می‌کند که تمام اقدامات قانونی و اجرایی و سایر اقدامات مناسب را اتخاذ کنند تا دسترسی همه افراد به خدمات و کالاهای سلامت و بهداشت بدون تبعیض بر مبنای هویت جنسیتی، تضمین شود؛ همچنین دولت‌ها موظف شده‌اند که تضمین کنند همه اشخاص قادرند در مورد درمان خود، بدون تبعیض بر مبنای هویت جنسیتی تصمیم‌گیری کنند؛ همچنین دولت‌ها باید دسترسی افراد به اقدامات مربوط به تغییر جنسیت را تسهیل کرده و ضمانت کنند که، افراد شاغل در حوزه سلامت، با مراجعه‌کنندگان، بدون تبعیض جنسیتی، برخورد کنند (Contextualizing Yogyakarta Principles, 2007, Principle 17).

اصل ۱۸ به حمایت از افراد تراجنسیتی در مقابل سوء استفاده‌های پزشکی می‌پردازد؛ این اصل مقرر می‌دارد: هیچ فردی نباید به دلیل هویت جنسی خود، مجبور به متحمل شدن هر گونه اقدام پزشکی یا روان‌شناسی یا آزمایش‌های مربوط به آنها شود یا دسترسی آنها، صرفاً به یک مرکز پزشکی محدود شود.

دولت‌ها موظف شده‌اند که تمام اقدامات قانونی و اجرایی لازم را اتخاذ کنند تا حمایت کامل در برابر رفتارها و رویه‌های پزشکی مضر و خطرناک را که بر مبنای کلیشه‌های ناشی از فرهنگ یا غیر آنها نسبت به رفتار، ظاهر فیزیکی و هنجارهای جنسیتی افراد دارای هویت جنسیتی متفاوت اعمال شوند، تضمین کنند (Contextualizing Yogyakarta Principles, 2007, Principle 18).

همان‌گونه که ملاحظه شد، این سند، از دسترسی کامل افراد تراجنسیتی به بالاترین سطح

سلامتی حمایت می‌کند و این حمایت را منوط به بیمار تلقی شدن آنها نمی‌کند؛ ولی این سند اشاره‌ای به وظیفه دولت‌ها در تحت پوشش بیمه قرار دادن اقدامات مربوط به تغییر جنسیت و حمایت از این افراد در این زمینه نکرده است که به نظر خلأ بزرگی در این سند به‌شمار می‌آید.

۲. حمایت از حق افراد تراجنسیتی بر دسترسی به بالاترین سطح سلامت در نظام حقوقی کامن لا

در بریتانیا، قانون خدمات اجتماعی و سلامتی، مقررات کلی درباره دسترسی به خدمات سلامتی مقرر کرده است و در مورد حق افراد تراجنسیتی بر دسترسی به بالاترین سطح سلامتی مقرر می‌دارد: وزارت بهداشت انگلستان باید راهنمای کاملی برای کارکنان بهداشت و درمان و جامعه تراجنسیتی‌ها منتشر کند که حاوی تمام راه‌های درمان ممکن، برای این افراد و اطلاعاتی در مورد سلامت تراجنسیتی‌ها و مسائل عمومی مربوط به سلامت بعد از اتمام فرایند تغییر جنسیت باشد. چنین راهنمایی‌ای از یک طرف باید به افراد تراجنسیتی کمک کند که به خدمات بهداشت و سلامتی مربوط دسترسی پیدا کنند و از طرف دیگر، به کادر درمانی در اطلاع‌رسانی و ارتقای تمام تدابیر درمانی ممکن، یاری رساند (The Civil Right Act And Equal Employment, 1964: Article 30).

در انگلستان حق اساسی تأمین هزینه‌های تغییر جنسیت در سال ۱۹۹۹م احراز شد؛ این امر در دعوایی علیه مقامات بهداشتی لنکشایر در دادگاه تجدید نظر انگلستان مطرح شد؛ در این دعوا، مقامات بهداشتی از پرداخت هزینه عمل تغییر جنسیت به دلیل عدم لزوم این عمل سرباز زدند؛ دادگاه در این مسئله حکم کرد این سیاست در راستای تحت پوشش قرار ندادن جراحی افراد تراجنسیتی غیرمنطقی است و این سیاست را رد کرد (A, D and G Vs. Lancashire Health Authority, 1999: para 1).

امروزه با توجه به رویه دادگاه‌های انگلستان، بیمه و پرداخت هزینه‌های درمانی افراد خواهان تغییر جنسیت به‌طور محدود پذیرفته می‌شود، علاوه بر این در فرایند درمان ممکن است برخی از درمان‌ها از سوی برنامه‌های بیمه، جزء درمان‌های مرتبط با زیبایی قلمداد شده و از پرداخت هزینه‌های آن خودداری شود (Rabinson, 2012: 23).

در ایالات متحده آمریکا، قوانین متعددی در زمینه حمایت از افراد تراجنسیتی وجود دارد. اولین قانون در این زمینه، قانون درمان و مراقبت مقرون به صرفه^۱ است که در سال ۲۰۱۰م به تصویب رسید؛ این قانون، تبعیض در دسترسی به خدمات سلامتی، براساس جنسیت را ممنوع

1. Affordable Care Act, 2010

کرد؛ همچنین می‌توان به قانون بیمه عدم تبعیض جنسی^۱ در مورد حمایت از حق دسترسی به بالاترین سطح سلامت و تحت پوشش بیمه قرار گرفتن افراد تراجنسیتی اشاره کرد. سازمان مدیریت بهداشت و درمان کالیفرنیا، این قانون را به منظور اطمینان از اینکه افراد تراجنسیتی به اندازه دیگر افراد، تحت پوشش بیمه سلامتی قرار گیرند، تصویب کرد.

براساس این قانون، سازمان بهداشت و درمان، برنامه‌های خود را بر این اساس تنظیم می‌کند که افراد، به دلیل هویت جنسیتی خود از نیازهای درمانی خود محروم نشوند و این سازمان را موظف کرد که تمامی اسناد خود را براساس این قانون تصحیح و بازنویسی کند و تمامی اسنادی را که براساس هویت جنسیت فرد، او را از خدمات درمانی محروم کرده است، اصلاح کند. براساس این قانون، تمامی افراد صرف‌نظر از هویت جنسی خود، باید تحت پوشش بیمه قرار گیرند (Insurance Gender nondiscrimination act, 2013: article 2).

۳. حمایت از حق افراد تراجنسیتی بر دسترسی به بالاترین سطح سلامت در نظام

حقوقی ایران

اصل ۲۹ قانون اساسی ایران مقرر می‌دارد: "برخورداری از تأمین اجتماعی... نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی و دولت موظف است طبق قوانین، از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند." همچنین ماده ۴ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مصوب ۱۳۷۳ بر وظیفه دولت مبنی بر تأمین خدمات درمانی، برای همه افراد ملت تأکید می‌کند.

تا چند سال پیش در ایران هیچ برنامه بیمه‌ای، هزینه‌های تغییر جنسیت افراد تراجنسیتی را تحت پوشش قرار نمی‌داد. به دلیل سنگین بودن هزینه‌های این عمل، افراد تراجنسیتی در اقدام به تغییر جنسیت دچار مشکل می‌شدند. همچنین به دلیل عدم پذیرش عرفی این عمل، افراد تراجنسیتی به شخص و محلی برای حمایت و راهنمایی در درمان خود دسترسی نداشتند. در سال‌های اخیر تلاشی برای تحت پوشش قرار گرفتن این افراد، صورت گرفته است. در سال ۱۳۸۶ وزیر رفاه از اختصاص اعتبار برای شناسایی و درمان افراد دارای اختلالات تراجنسیتی سخن گفت. البته ایشان مشکل اصلی را شناسایی این افراد دانسته‌اند و اعتبار اختصاص یافته به این موضوع را به اندازه می‌دانند (روزنامه اعتماد، ۱۳۸۶: ۸). هم‌اکنون عمل تغییر جنسیت و جراحی آن، اگر در بیمارستان‌های دولتی انجام گیرد، تحت پوشش بیمه واقع می‌شود و افراد، بسته به نوع پوشش بیمه‌ای خود، می‌توانند از خدمات بیمه، استفاده کنند

1. insurance gender nondiscrimination act, 2013

(www.mahtaa.com). مرکز بهزیستی نواب صفوی نیز، تنها مرکز تحت نظارت سازمان بهزیستی است که به ارائه مشاوره و خدمات درمانی به افراد تراجنسیتی می‌پردازد؛ مرکزی که علاوه بر آموزش مهارت‌های زندگی به این افراد و خانواده‌هایشان، در گذراندن روند درمان به این افراد کمک می‌کند (روزنامه اعتماد، ۱۳۸۶: ۹).

نتیجه

افزایش جمعیت افراد تراجنسیتی و تغییر نگاه جوامع به این افراد و پذیرش هویت جنسیتی متفاوت آنان، موجب شده است که قانونگذاران داخلی و تصویب‌کنندگان اسناد بین‌المللی، اهمیت حمایت از این افراد را در جامعه و در مقابل تبعیض‌هایی که ممکن است بر این افراد تحمیل شود، و همچنین تعرضاتی که ممکن است به بهانه‌های مختلف، همچون نفع عمومی در حریم خصوصی این افراد، صورت گیرد، کاملاً درک کنند و نیاز این افراد را به حمایت کامل از سوی دولت، در تأمین خدمات درمانی و کمک در پرداخت هزینه درمان، جدی بگیرند و برای آن مقرراتی وضع کنند. پذیرش هویت جنسیتی این افراد و تمایز بخشیدن از افراد همجنس‌باز و همچنین مشکل آنان در دسترسی به حقوق اجتماعی، به دلیل وضعیت جسمی خاص، موجب شد که قانونگذاران و صاحب‌نظران، در حمایت از حقوق این افراد ورود کنند و حمایت از این دسته افراد، مورد توجهشان واقع شود. حمایت صریح قانونگذار از این افراد موجب می‌شود که دیگر اشخاص، نتوانند به بهانه‌های مختلف، به حقوق این اشخاص دست‌درازی کنند. حمایت صریح قانونی، می‌تواند به افزایش درک عرف نسبت به وضعیت این افراد منجر شود و به مرور زمان افراد تراجنسیتی، در جامعه پذیرفته شوند. قانونگذاران کشورهای نظام کامن‌لا، با قوانین متعددی که در این زمینه صادر کرده‌اند، تمام تلاش خود را برای تحقق این شرایط، به‌کار برده‌اند.

در ایران با پذیرش هویت جنسیتی افراد تراجنسیتی، توسط امام خمینی (ره) و اعطای جواز تغییر جنسیت به آنان و توجه دیگر فقهای معاصر به این مسئله، مشروعیت این عمل از سوی آنان، وضعیت افراد تراجنسیتی از افراد همجنس‌باز متمایز شد و هویت جنسیتی و وضعیت ایشان مشروعیت و جواز فقهی گرفت، اما جواز قانونی و عرفی این عمل در ایران وجود ندارد. قانونگذار ما تاکنون از حقوق این اشخاص صحبت نکرده و همچنین عرف، هویت جنسیتی این افراد را نپذیرفته است. بهبود کیفیت زندگی این اشخاص، نیازمند حمایت قانونی است تا بدین وسیله، عرف هم این اشخاص را بپذیرد و وضعیت آنان را درک کند؛ البته تلاش‌هایی برای حمایت از این افراد، در کشورمان صورت گرفته است؛ عمل تغییر جنسیت این اشخاص تحت حمایت بیمه قرار گرفته است و آنان می‌توانند پس از تغییر جنسیت، اسناد

سجلی خود را تغییر دهند، اما نیاز به حمایت صریح قانونگذار از آنان، هنوز در نظام حقوقی ما احساس می‌شود.

منابع

فارسی

۱. امامی، اسدالله (۱۳۹۲)، مطالعه نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه، تهران، میزان.
۲. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ ق)، القضاء و الشهادات، قم، نشر، چ اول، باقری.
۳. انصاری، باقر (۱۳۸۳)، حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، ش ۶۶، ۵۴-۱.
۴. حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۶)، کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مدرس علوم انسانی، دوره ۱۱، ش ۴، ص ۸۲-۵۱.
۵. موسوی بجنوردی، سید محمد (پاییز ۱۳۸۶)، بررسی فقهی حقوقی در خصوص تغییر جنسیت با رویکردی بر نظر امام خمینی، پژوهشنامه متین، ش ۳۶، ص ۳۵-۲۱.
۶. رحمدل، منصور (زمستان ۱۳۸۴) حق انسان بر حریم خصوصی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۷۰، ص ۱۴۵-۱۱۹.
۷. مهرپور، حسین (۱۳۸۳)، نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران، چ دوم، اطلاعات.
۸. واعظی، سید مجتبی، علیپور، علی (پاییز و زمستان ۱۳۹۱)، بررسی موازین حقوقی حاکم بر حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۸، ش ۱۷، ص ۱۶۳-۱۳۳.

انگلیسی

9. Aguis, sylvan, Kohler, Richard, Aujean, sophie, Ehrt, Julia (2011), "huaman Rights and Gender Identity Best Practice Catalogue", /ILGA Eroupe pub, Brussels.
10. Castagnoli, Cristiana, (2010) "Transgender Persons Rights in the EU Member states", European Parliament Brussels.
11. Hammarbeg, Thomas (2011), "Discrimination on Grounds of Sexual Orientation and Gender Identity in Eroupe" Council of Europe Pub.
12. Oflaherty, Micheal, Fisher, john, (2008) Sexual orientation, Gender Identity And International Human Rights law: Contextualizing Yogyakarta Principles, Human Right, Vol2, pub Oxford Universitypress.
13. Robinson, zoe Kirik, (2012) "Transgenderism in UK", pub LGBT CONSERVATIV.
14. Ross, Davies, (2005) Gender Recognition Act 2004, National Assemlely for

- Walves, Crown Copyright.
15. Whittle, Stephan, (2002) respect and Equality: Transsexual And Transgender Rights, cavandish publishing limited,
 16. Whittle, Stephen, (2011) A Guide to Changing Names and Genders for Trans People, Employers and Other Organisations, PFC, BM Network, London, WC1N 3 XX.
 17. Miller, M, Alice, Vance, S, Carlos, (2010) "Sexual health and Human Rights: European Region.

آرای دادگاهها

18. A, D and G Vs. Lancashire Health Authority, 1999, Available at: <http://www.pfc.org.uk/caselaw/High Court judgment in the case of A, D and G v North West Lancashire Health Authority.pdf>.
19. Case of Niemtz. Vs. Germany, ECHR, 1992, www.echr.coe.net.
20. Case of Pretty. Vs. UK, ECHR, 2002, www.echr.coe.int.
21. Goodwin. Vs. UK, ECHR, 2002, www.echr.coe.int.
22. CASE OF L. v. LITHUANIA, 2008, ECHR, Application no. 27527/0, <http://hudoc.echr.coe.int/>.
23. Ress. Vs. UK, 1986, ECHR, para, www.echr.coe.int.
24. P. V. S And Corn Wall County Council case, 1994, N: C-13/94 ECR I-2143, Available at: eur-lex.europa.eu/lexUriServ/lexUriServ.do.
25. Vankuck. Vs. Germany, 2003, ECHR, www.echr.coe.int.

قوانین خارجی و اسناد بین المللی

26. Affordable care Act, 2010 available at: www.hhs.gov/healthcare/about-the-law/index.html
27. California Transgender Family Law, 2013.
28. Constitution of the world Health organization (WHO), 14 U. N. T. S. 186, 22 July 1946 Entered in to Force 7 April 1948.
29. Contextualizing Yogyakarta Principles, 2007 March.
30. Equality Act, 2010, Available at: www.Gov.Uk/Equality-act-2010-guidance.
31. General Comment, no 14, The right to the highest attainable standard of health, article 12 of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, (E/C.12/04/2000) Available At: <http://www.nesri.org/sites/default/files/Right to health Comment 14.pdf>
32. insurance gender nondiscrimination act, (DMHC), Letter No 12-k, 2013 available at: <https://www.dmhc.ca.gov/Portals/0/.../dl12k.pdf>
33. international Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, (ICESCR) GA, Res. 2200 A (XXI), UN Doc. A/16316 (1966).
34. International covenant on civil and political Right, 1966, Available at: <http://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/ccpr.aspx>
35. Recommendation 1915 (2010) of the Parliamentary Assembly – Discrimination on the basis of sexual orientation and gender identity, Council of Europe standards.
36. The Civil Rights Act of 1964 and the Equal Employment, Available at:

- www.gov.uk/government/publications/transgender-action-plan.
37. The Fair Housing Act, 1968 Available at: www.justice.gov > Civil Rights Division.
 38. Education Amendments of 1972, www.justice.gov/.../overview-title-ix-education-amendments-1972-20-usc
 39. United Nations charter (UNC), 59 stat. 1031, T.S.993, 3 Bevans 1153, Entered into Force 24 oct. 1945.
 40. Universal Declaration of Human Rights, G A, Res. 217 A (III), UN Doc. A/810, 10 Dec. 1948.
 41. Advancing transgender equality: a plan for action, 2011, Available at: www.gov.uk/government/publication/transgender-action-plan. Visited At: 24/10/2015.

پایگاه‌های اینترنتی

42. Discriminatory laws and practices and acts of violence against individuals based on their sexual orientation and gender identity available at: www.ochr.org/english/bodies/hrcouncil/docs/19session/A.HRC.19.41,2011English.pdf. visited At: 14/09/2015.
43. <http://www.lambdalegal.org/know-your-rights/transgender/changing-birth-certificate-sex-designations>, Visited At: 14/04/2015.
44. [Tbinetnet.Ohchr.org/_layouts/Treatybodyexternal/,e/c.12/GC/20,2009](http://tbinetnet.Ohchr.org/_layouts/Treatybodyexternal/,e/c.12/GC/20,2009) visited At: 04/06/2015.
45. مصاحبه با سید احمد قشمی، مدیرکل ثبت‌احوال استان تهران. Available At: http://www.aftabir.com/news/view/۲۰۰۶/feb/۱۲/c۴c۱۱۳۹۷۵۸۸۷۷_social_organization.php Visited At: ۲/۰۲/۱۳۹۴.
46. (صفحه ۸) گزارش اجتماعی، ۱۲/۶/۸۶ ش ۱۴۸۱، روزنامه اعتماد. available at: <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1474923> Visited At: ۱۵/۰۳/۱۳۹۴
47. http://www.imam-khomeini.ir/fa/c12_20717/, 28/11/201.
48. <http://www.mahtaa.com/?p=3918991>, 20/10/2015.